



در سوگ قانون

نشریه بسیج دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی علامه طباطبائی (ره)

مثنوی
معنوی

ابابیلی
دیگر

درسوگ
قانون

معلم
انقلاب

شبکه
ملی
اطلاعات

سنگ
سنگین
علم



فهرست

تیز چشم

آبایی دیگر

مثنوی معنوی

شبکه ملی
اطلاعات

معلم انقلاب

درس و گ قانون

صاحب امتیاز:
بسیج دانشجویی دانشکده ادبیات
فارسی و زبانهای خارجی علامه
طباطبایی (ره)

مدیرمسئول و سردبیر: میثم بال زده
دبیر تحریریه: رامین صداقت

صفحه آرا: فاطمه نعیمی پور

ویراستار: مائده سادات حسینی

تحریریه: مائده سادات حسینی،
فائزه رحیمی نژاد، محدثه نقوی، راضیه
کیامرزی، میثم بال زده، نفیسه اغمی





کلمه

شماره پنجم / اردیبهشت ۱۴۰۰



۱

راز بگشای ای علی مرتضی
ای پس از سوءالقضا حسن القضا
چون تو بابی آن مدینه علم را
چون شعابی آفتاب حلم را



مثنوی معنوی

محدثه نقوی؛

دانشجوی مترجمی زبان عربی

حکومت امام علی (ع) ویژگی‌های برجسته‌ای داشت و همین ویژگی‌ها باعث شد در دل مستضعفان جا پیدا کنند و بتوانند آنها را خشنود کند. اساساً هر نظام حکومتی دارای خصوصياتی است که باید به آنها عمل شود، اینجا دیگر حرف فایده ندارد، آن کس که عمل کند، می‌تواند دل مردم را بدست آورد و آن حکومتی که بتواند دل مستضعفان را راضی کند در واقع به هدف اصلی حکومت اسلامی رسیده و توانسته نیازمندترین قشر جامعه را هم از خود راضی کند. حال اگر کمی تأمل کنیم، می‌بینیم در این روزها با شرایط سخت جامعه می‌توان با آگاهی بیشتر انتخابی درست داشت، انتخابی با معیارهای حکومت پدرمان، امام علی (ع).

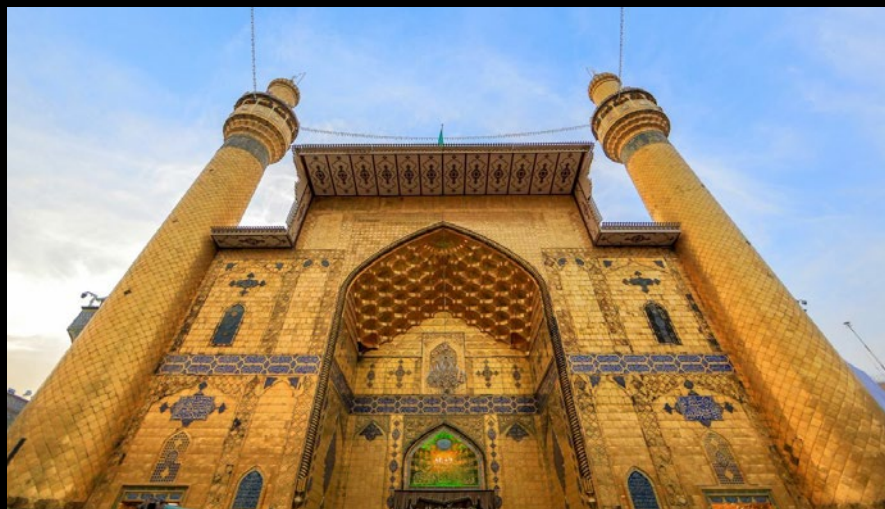
اما چگونه؟

ابتدا باید توانایی تشخیص حق و ناحق را در خود تقویت کنیم و بدانیم حق با چه کسی است، و نکته مهم اینجا است که حق با آن شخصی است که راه و روشش تقلیدی از زندگی امام علی (ع) باشد و توانایی اجرا کردن ویژگی‌های حکومت حضرت علی (ع) را داشته باشد.

اما قبل از همه باید صفات این حکومت را بشناسیم:

- خدامحوری

اساس حکومت امام علی (ع) خدامحوری بود. در طول راه حکومت هیچ گاه از حق دور نمی‌شد و همواره مردم را به سوی حق دعوت می‌کرد، در تمام قدم‌هایش در پی خشنودی خدا بود و فرمان‌های خدا را اطاعت می‌کرد. فرد مناسب و شایسته برای اداره کشور نیز باید چنین منشی در راه و روشش باشد و با مطالعه، آگاهی و نگاهی روشن می‌توان این را در اشخاص مورد انتخاب متوجه شد.





- وفای به عهد و پیمان
پیامبران و امامان همواره به وفای به
عهد تاکید کرده‌اند و امام علی(ع)
به عهد و پیمان خود حتی بعد از
رسیدن به یک مقام جدید عمل
کردند و ذره ای از تلاششان کم نشد،
حال که ما یک حکومت اسلامی را
در پیش گرفته ایم
باید بتوانیم از چگونگی زندگی یک
شخص تشخیص دهیم، که اگر وعده
ای می‌دهد و اگر می‌خواهد کاری
انجام دهد حتماً آن را اجرایی خواهد
کرد.

- اصلاح طلبی
امیر المومنین جامعه آن زمان را از
مسیر غلطی که در آن افتاده بود
نجات داد و آن را به مسیر درست
هدایت کرد
ما باید فردی را انتخاب کنیم که اگر
جامعه مسیر اشتباهی رفت بتواند
جامعه را وارد مسیری تازه و درست
کند، درواقع توانایی اصلاح طلبی
یک کشور را داشته باشد و یک دوران
طلایی در مسیر درستی که رنگ و
بوی خدا را می‌دهد، بسازد.
در نتیجه ما قرار است تصمیمی
بزرگ برای آینده بگیریم چه بهتر
که با روشن‌بینی و با معیارهای
حکومت امیرالمومنین انتخاب کنیم
نه با چشمان بسته و تقلید کورکورانه.
به امید گام برداشتن دسته‌جمعی در
مسیر رسیدن و تحقق به حکومت
امام علی (ع).

- عدالت طلبی
یکی دیگر از صفات برجسته که
زبان زد عام و خاص بود، عدالت‌طلبی
بود؛ ما باید فردی را انتخاب کنیم که
راه و روشش بوی عدالت دهد، توان
عادل بودن را داشته باشد به مساوات
بین همگان رفتار کند.

-مردم داری
امام علی (ع) همواره به فرمان داران
خود این نکته را متذکر می‌شدند،
همانطور که مردم بر حکومت حقی
دارند، حکومت هم بر مردم حقی
دارد.
اگر دوست دارید مردم احترام بگذارند
باید به آن‌ها احترام بگذارید و به
نیکویی رفتار کنید، امام علی (ع)
حکومت را امانت در دست خود
می‌دانستند، نه مقام والا و جایگاهی
که بخواهد رفتار و منش او را تغییر
دهد و به آن فخر بورزد.
فرد مناسب برای حکومت کشور باید
حکومت را به چشم امانت در دست
خویش ببیند و از جان مایه بگذارد،
رفتاری دلسوزانه و محترمانه را در
پیش گیرد.



کلمه

شماره پنجم / اردیبهشت ۱۴۰۰





کلمه

شماره پنجم / اردیبهشت ۱۴۰۰



۳

...

ابایلی د یگسر

راضیه کیامری
دانشجوی مترجمی زبان عربی

بسم الله الرحمن الرحيم
الم تر كيف فعل ربك
باصحاب الفيل (۱) الم يجعل
كيدهم في تضليل (۲) و
ارسل عليهم طيرا ابابيل
(۳) نرمهم بحجارة من
سجيل (۴) فجعلهم كعصف
ماكول (۵)

۵ اردیبهشت سالروز شکست نظامی آمریکا در صحرای طبس است. شکست شیطان بزرگ در این عملیات حمله
فیلداران ابرهه به خانه خدا را در ذهن‌ها تداعی می‌کند.

آمریکا همواره برای دستیابی به منابع ایران افرادی را به این سرزمین می‌فرستاد اما پیروزی انقلاب اسلامی
و تسخیر لانه جاسوسی آمریکا آنها را در رسیدن به اهدافشان ناکام ساخت و بر آن داشت تا با اجرای عملیات
بزرگی با نام دلتا گروگان‌های خود را آزاد کند. آمریکایی‌ها در ۴ نوامبر ۱۹۷۹ گروه ویژه ۱۳۲ نفره را به نام
دلتافورس برای حمله به ایران و آزادسازی گروگان‌ها تشکیل دادند و نام عملیات را پنجه عقاب نهادند.

تصمیم شوم

بالگرد در میان شعله‌ها ناپدید شدند و.....
وقتی از وزیر دفاع وقت آمریکا درباره چگونگی شکست
مفتضحانه عملیات نجات پرسیدند گفت:
«آیت‌الله خمینی در بالکن منزل خویش ایستاده بود و
با هر حرکت دست او یک هواپیما به زمین می‌افتاد.»

پیروزی ایمان

در پی شکست آمریکا در صحرای طبس بار دیگر نظریه
پیروزی فناوری بر ایمان رد شد و بر حیثیت و اعتبار
جهانی انقلاب اسلامی افزود. به دنبال تجاوز نافرجام
آمریکا در طبس امام‌خمینی (ره) رهبر بزرگترین انقلاب
ضد آمریکایی با صدور پیامی فرمودند:
«اشتباه (کارتر) در آن است که گمان می‌کند با دست
زدن به این مانورهای احمقانه می‌تواند ملت ایران را
برای آزادی و استقلال خویش که برای اسلام عزیز از
هیچ فداکاری رویگردان نیست، از راه خودش که راه خدا و
انسانیت است منصرف کند. (کارتر) نفهمید با چه ملتی
رو به روست و با چه مکتبی بازی می‌کند. ملت ما ملت
خون و مکتب جهاد است حمله به ایران حمله به تمام
بلاد مسلمین است.

شیطان بزرگ در ۵ اردیبهشت سال ۱۳۵۹ با تعدادی
هواپیمای نظامی و بالگرد حمله خویش به ایران را شروع
کرد، این هواپیماها در صحرای طبس فرود آمدند تا از آن
مکان عملیات آزادسازی گروگان‌ها را آغاز کنند. بیشتر
مسئولان دولت وقت آمریکا در این کار نقش داشتند و
هرکس اطلاعاتی در مورد ایران داشت را در اختیار گروه
دلتا قرار می‌داد. دوازده فروند هواپیما در صحرایی در
سیصد مایلی جنوب شرقی تهران به زمین نشستند و در
این صحرای ۸ بالگرد برای بردن افراد به تهران در نظر
گرفته شده بود. در محل پیاده شدن گروه دلتا ۶ کامیون
این گروه را به سفارت آمریکا در تهران می‌بردند. قرار بود
پس از عملیات بالگرد ها افراد گروه و گروگان‌های آزاد
شده را به منظره برسانند و از آنجا با هواپیمای سی-۱۳۰
از ایران خارج شوند اما وقوع توفان تمام نقشه‌های آنها
را نقش بر آب کرد. با آغاز عملیات نیروهای آمریکایی در
طبس آنها هنوز نیمی از راه را نرفته بودند که با توده ای
از ابر مواجه شدند که به هیچ عنوان انتظار آن را نداشتند.
در این میان یکی از بالگردها از کار افتاد و سپس دیگری
به هواپیمای سی-۱۳۰ برخورد کرد ناگهان دو هواپیما و

تیز چشم ۴

فائزه رحیمی نژاد
دانشجوی مترجمی زبان عربی

رسالت بیداران

حقایق بیشماری در عالم وجود دارد که دین این حقایق را به وجود نمی آورد بلکه آنها را به انسان ها نشان می دهد. هر انسان با وجدانی که می بیند انسانی بی اطلاع از چاه وحفری که پیش روی اوست در حال دویدن به سوی آن است و بنا بر فطرت اخلاقی خود سعی می کند به هر صورت که ممکن است آن فرد را هوشیار نماید تا از خطر پیشرو مطلع شود و از آسیب در امان بماند.

حسن ظن

انسان های بیدار، آگاه و مطلع از حقایق عالم نیز که ندای انبیا و دین را شنیده اند و در مسیر حق قدم برداشته اند. باید اینگونه در راه هدایت و آگاهی مردم و دلسوز و حریص باشند و جاهلان و غافلان را آگاهی دهند و در راه ماندگان را نجات بخشند.

«وان تنصروالله ينصرکم ويثبت اقدامکم اگر خدا را یاری کنید خدا یاریتان می کند و گام های تان را استوار می دارد.» (سوره محمد آیه ۷)
علاوه بر یادآوری وعده های الهی باید در تمام مراحل به خداوند حسن ظن داشته باشیم و با اتکا به خدا و قدرت بی منتهایش هیچ کاری را نشدنی و ناممکن ندانیم.

«یک مجموعه مسلمان و مؤمن مهم است که به خدا حسن ظن داشته باشد، بداند که خدا کمک کار اوست، بداند که خدا پشت سر رهپویان راه حق است. وقتی دلها قرص شد گام ها هم محکم می شود؛ وقتی گام ها استوار شد راه به آسانی طی می شود و به هدف نزدیک می شود» (رهبر معظم انقلاب: نماز جمعه تهران ۸۸/۳/۲۹)

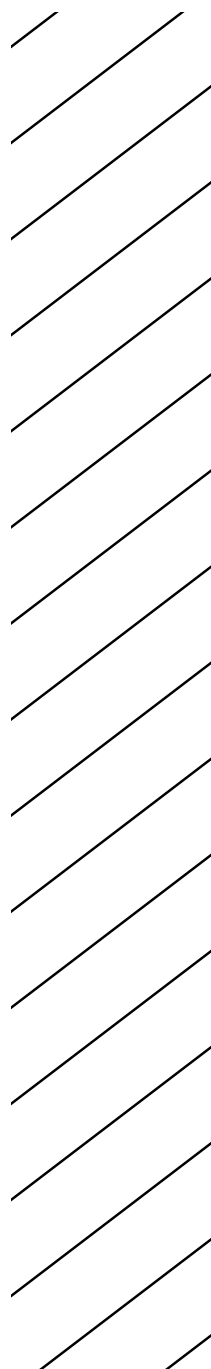
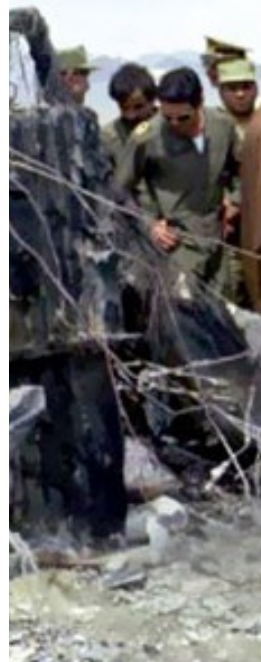
«وكان حقاً علينا نصرالمؤمنين و یاری کردن مؤمنان برما واجب است» (سوره روم آیه ۴۷)

همچنین باید از امیدهای جاهلانه ای که انسان ها را از انجام وظایف فردی و حیاتی باز می دارد نیز جدا پرهیز داشت. مثلاً: برخی حرف های عوامانه که گاه از برخی اهل علم نیز شنیده می شود که دین مانند آب است و نیازی به تلاش ما ندارد و خود نیز راه خود را باز می کند؛ حالی که اینگونه امیدواری های منفعل کننده و بازدارنده از تلاش، به هیچ وجه در سیره پیامبر (ص) عظیم الشأن و اهل بیت یافت نمی شود.

لحظه ای تفکر

لحظه ای تامل کنید و مشاهده کنید از این سخن چه برداشت می کنید: (پیغمبر در این دعا می فرماید: اللهم ان تهلك هذه العصابة لاتعبد فی الارض: خداوند! اگر این دسته کشته شوند کسی دیگر عبادت را در زمین به جا نمی آورد).

مشخص می شود که اگر مردانی چون محمد و اصحابش برای دین خدا تلاش و فداکاری نکنند خداوند عبادت نخواهد شد. دیگر از عبارت خدا که ما چیزی بر حق نداریم؟ پس لازم است که دل ببندیم زیرا دین ما حق است و مذهب ما حق هست و خود به خود راه خودش را باز می کند به نظر بنده درست نیست، اگر ما تلاش نکنیم همین دین حق و همین مذهب حق آنطور که لازم است پیش نمی رود و یا کمتر پیش می رود. (نامی و نی افکار و اندیشه امام موسی صدر)



کلمه

شماره پنجم / اردیبهشت ۱۴۰۰



قانون در سبک

به بهانه دهم اردیبهشت ماه، سالروز فیلترینگ تلگرام



کلمه

شماره پنجم / اردیبهشت ۱۴۰۰



میثم بالزده
دانشجوی فلسفه

۵

برخی از مورخان خصوصاً مورخان حوزه فلسفه، معتقدند آنچه که تمدن یونان باستان ـ آتن ـ را به آن درجه از شکوفایی و عظمت رساند چیزی نبود جز به اجرا درآوردن، مسلط کردن و فصل الخطاب قرار دادن "قانون"!

در حقیقت آتنی‌ها زمانی به مهد دموکراسی مبدل گشتند و در حوزه فکر و اندیشه به چنان مقامی رسیدند، که تا به امروز بشر از میوه آن استفاده می‌کند، که قانون نوشتند و آن را به اجرا درآوردند و در مقابلش متواضع و مطیع رفتار کردند. این کاملاً بدیهی است که جامعه‌ای تحت ولایت قانون به آن شکوه و جلال برسد؛ چرا که قانون است که انسان را تربیت می‌کند و به زندگی‌اش نظم می‌بخشد، مسیر رسیدن به غایت را به انسان نشان می‌دهد و انسان را متواضع بار می‌آورد.

قانون شهروند تربیت می‌کند، شهروندی مطیع که جایگاه خود را در جامعه به درستی می‌شناسد و در جهت ارتقای خود و جامعه تلاش می‌کند.

قانون به انسان می‌فهماند که زمانی جامعه ایجاد می‌شود که "افراد" جمع شوند، جمعی متشخص و معنا یافته، و هر فرد در آن جمع جایگاهی دارد به اهمیت تمامی آن جمع، پس مقامی دارد و وظیفه‌ای، و باید به وظیفه‌اش عمل کند تا جمع معنای خود را از دست ندهد. به وجود آمدن یک تمدن به تولد جامعه بستگی دارد و جامعه زمانی متولد می‌شود که "فرد" "فرد" حول یک نقطه و یک معنا "جمع" شوند و حرکت کنند؛ و این همان کاری است که قانون انجام می‌دهد. قانون به جامعه هویت می‌بخشد و آنان را در حفظ آن هویت و تکامل آن یاری می‌دهد، و این چنین است که آتینان به آن شکوه و جلال می‌رسند؛ با حکومت قانون...

با این حال، به همان اندازه که قانون به جامعه هویت می‌بخشد و معنا می‌دهد، به همان اندازه نیز هویت و معنای خود را از آنان می‌گیرد؛ چرا که قانون تا زمانی "زنده" است و کاربرد دارد که جامعه آن را به رسمیت بشناسد و در مقابلش متواضع و مطیع باشد. قانون تا زمانی شأن و شخصیت دارد که جامعه به آن عمل کند، بی‌توجهی و بی‌محلی به قانون در حقیقت مرگ قانون خواهد بود و مرگ قانون برابر است با مرگ جامعه!

قانون صرفاً مجموعه گزاره‌هایی برای چاپ بر ورق‌پاره نیست! عمل می‌خواهد و عمل است که او را معنا دار و زنده نگاه می‌دارد.

میان «قانون» و «جامعه» رابطه‌ای دو طرفه برقرار است؛ یعنی همانطور که قانون علت حیات جامعه است، جامعه نیز علت حیات قانون است و در نتیجه مرگ هر کدام، مرگ دیگری را نیز در پی خواهد داشت...

پاسداری از قانون و جلوگیری از مرگ آن، شاید اصلی‌ترین و مهم‌ترین وظیفه نهاد قدرت (حکومت) در یک جامعه باشد. نهاد قدرت آن حلقه اولیه‌ای است که حول قانون شکل گرفته و هویت و مقام‌اش وابسته به آن است. اصلاً قانون آنان را بر گرد خود جمع کرده تا بتواند بر سریر قدرت نشیند و جامعه بسازد و حکومت کند. آنان وظیفه‌ای جز نگاه‌داری و معنابخشی به قانون ندارند. پاسداری آنان از "قانون" از طرفی به قانون قدرت می‌بخشد و به آن معنا و هویت می‌دهد، و از طرفی دیگر افراد جامعه را ترغیب به پیروی از آن می‌کند. آنان واسطه میان قانون و جامعه‌اند، حلقه اتصال که قانون و جامعه را به هم پیوند می‌دهد و به هر دو معنا می‌بخشد. اگر زمانی فرا رسد که نهاد قدرت خود بر ساحت قانون چنگ اندازد و از آن پیروی نکند، هویت و معنا را از آن می‌زداید و باعث مرگ قانون می‌شود و در آن زمان، قانون دیگر چیزی جز گزاره‌هایی تهی از معنا نخواهد بود...



امروز و در سومین سالگرد فیلترینگ پیام‌رسان تلگرام، جامعه چگونه می‌تواند مطیع قانون باشد و از سد فیلترینگ عبور نکند و این برنامه را به فراموشی بسپرد حال آن که در سه سال گذشته، نامزدان کرسی نهاد "قانون‌گذار" (مجلس) برنامه‌ها و کانال‌های تبلیغاتی خود را در آن (تلگرام) راه انداختند و از آن طریق برای خود رأی جمع کردند، نمایندگان قانون‌گذار فعلی در آن فعالیت مداوم دارند و اکنون نیز، متقاضیان کرسی ریاست بر نهاد "اجرای قانون" (ریاست‌جمهوری) خود از طریق آن در حال تبلیغ هستند؟!

آیا به راستی می‌توان به قانونی پایبند بود که حتی در نزد واضع و مجری و ناظر خود نیز مقبولیت ندارد؟ مسلماً خیر! قانونی که از سوی حافظان خود طرد می‌شود، شأنتی برای باقی افراد جامعه ندارد تا بدان عمل شود! زیرا این کاملاً بدیهی است که الزام عمل به قانون برای نهاد قدرت بیش از باقی جامعه است و همان‌طور که گفته شد، این نهاد قدرت است که با عمل خود به قانون، آن را حفظ و به آن شأنت می‌دهد و باقی افراد جامعه را مجاب به عمل به آن می‌کند.

در این صورت، پس چرا چنین قانونی باید همچنان وجود داشته باشد؟

این سؤال است که پاسخ روشن نیست و نهاد قدرت باید به آن پاسخ دهد، اما کاملاً روشن است که هر چقدر این بی‌احترامی به قانون، از سوی نهاد قدرت، بیش‌تر ادامه پیدا کند، شأن و منزلت قانون کمتر و کمتر خواهد شد و دیگر افراد جامعه، کمتر حول آن قانون خواهند ایستاد و اگر نهاد قدرت نخواهد که مسیر خود را اصلاح کند، طبیعتاً به جایی خواهیم رسید که دیگر نفسی برای آن قانون نخواهد ماند، چرا که دیگر معنایی برای جامعه نخواهد داشت.

و آن زمان، فرد فرد از حول آن پراکنده خواهند شد و دیگر نه جامعه‌ای خواهد ماند، نه حکومتی و نه تمدنی...

جامعه امروز ما دقیقاً با چنین وضعی مواجه است؛ با مرگ قانون!

به طرز آشکاری "قانون" برای افراد جامعه هیچ معنایی ندارد و آنان خود را ملزم به اطاعت از آن نمی‌بینند! این بی‌توجهی و بی‌احترامی به قانون، نتیجه‌ای جز مرگ جامعه ندارد و در این صورت، چه امیدی می‌توان به آینده چنین اجتماعی داشت؟ متهم اصلی اما، نهاد قدرت است که دیگر قانون برایش شأن و احترامی ندارد و مدت‌هاست آن را بی‌حیثیت کرده، بر آن لگد می‌کوبد! زمانی که نهاد قدرت به قانون اهمیتی نمی‌دهد، جامعه چرا باید خود را ملزم به اطاعت از آن کند؟

فی‌المثل جامعه چرا باید از قانون "فیلترینگ" و "ممنوعیت استفاده از فیلترشکن" پیروی کند زمانی که رسانه رسمی بالاترین مقام رسمی کشور، به این قانون بی‌توجه است و در برنامه فیلترشده "توییتر" فعالیت می‌کند؟ رئیس‌جمهور و معاونان و مشاوران و وزرایش به عنوان "مجریان قانون" در برنامه مذکور صفحات رسمی و فعال دارند؟ رئیس قوه قضاییه و معاونان و مشاورانش به عنوان "ناظران بر اجرای قانون" و "عاملان برخورد با خاطیان از آن" نیز در آن برنامه فعالیت مداوم دارند؟ نمایندگان مجلس به عنوان "واضعان قانون" نیز همچنین، و همچنین اعضای شورای نگهبان و اعضای مجمع تشخیص مصلحت‌نظام و اعضای مجلس خبرگان و ...! جامعه چگونه می‌تواند به چنین قانونی تن دهد زمانی که واضعان و مجریان و ناظران قانون اهمیتی به قانون مذکور نمی‌دهند؟



معلم انقلاب

به بهانه روز معلم

مأذنه سادات حسینی

دانشجوی مترجمی زبان عربی



کلمه

شماره پنجم / اردیبهشت ۱۴۰۰



۷

به زعم آنها در کشتار مردم کردستان نقش داشت. هنگام محاکمه از مزدورین پرسیده شد که چه ارتباطی با رژیم شاه داشتند گفتند: چون ایشان استاد دانشگاه تهران بودند و زبان انگلیسی نمی دانستند معلوم شد که خود رژیم را عضو هیئت علمی کرده است؛ در حالی که شهید مدرس و استاد فلسفه اسلامی در دانشگاه الهیات بود و نیاز به زبان انگلیسی نداشت. آنها می گفتند ما از یکی از دانشجویان این طور شنیده ایم. تیم ترور می گفتند: دوستی شهید مطهری با دکتر سید حسین نصر نشان دهنده ارتباط با دربار است و درگیر ارتباط مربوط به قتل است و زمانی که دکتر نصر رئیس دفتر فرح شد ارتباط آنها با یکدیگر قطع شد و شهید مطهری ناراحت بود که چرا دکتر نصر چنین کاری را پذیرفته و همین امر باعث قطع رابطه دوستی آنها با یکدیگر شد.

اعتقاد اعضای گروه فرقان حکومت جمهوری اسلامی تلاش برای برقراری حاکمیت روحانیت بود در حالی که این گروه از تیز اسلام منهای آخوند پیروی می کرد و به همین دلیل به ترور شخصیت های تاثیر گذار انقلاب اسلامی مخصوص موهای برجسته از جمله استاد مطهری روی آوردند.

پرواز

مرتضی مطهری در شامگاه روز سه شنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ پس از پایان جلسه در منزل یدالله سبحانی به همراه گروهی از رجال سیاسی انقلاب اسلامی در تاریکی شب هنگام خروج از محل جلسه در کوچه پارک امین الدوله هدف گلوله یکی از افراد گروه فوق قرار گرفت و بعد از انتقال به بیمارستان درگذشت.

مرتضی مطهری فریمانی روحانی شیعه و استاد فلسفه اسلامی و تفسیر قرآن و همچنین عضو هیئت مؤتلفه اسلامی و یکی از نظریه پردازان نظام جمهوری اسلامی ایران بود که او قبل از انقلاب سال ۱۳۵۷ استاد دانشگاه الهیات دانشگاه تهران بود و بعد از انقلاب به ریاست شورای انقلاب منصوب شد.

مثل او پرتلاش

ایشان در فعالیتهای سیاسی در کنار امام خمینی بودند به طوری که می توان سازماندهی قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ در تهران و هماهنگی آن با روح الله خمینی را مرهون تلاش های و یاران خود آن است. پس از مدتی به تالیف کتاب هایی در موضوعاتی که او مورد نیاز جامعه می دانست و ایراد سخنرانی در دانشگاه ها و انجمن های اسلامی و مسجد جامع نارمک و مسجد هدایت و نهضت اسلامی پزشکان ادامه داد و او به یک نهضت اسلامی معتقد بود و برای اسلامی کردن محتوای نهضت تلاش های ایدئولوژیک بسیاری انجام داد که از جمله مهمترین این اقدامات می توان به کمک در تاسیس حسینیه ارشاد در سال ۱۳۴۶ اشاره کرد. از مهمترین فعالیت های او ارائه ایدئولوژی اسلامی از طریق تدریس و سخنرانی و تألیف کتاب های متفاوت است و به واقع در استاد مطهری اهمیت این گونه فعالیت فرهنگی به ویژه در سال های ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۷ به خاطر افزایش تبلیغ گروه های چپ و پدیدآوردن گان گروه های مسلمان چپگرا که استاد مطهری آن را پدیده التقاط می نامید به اوج خود رسیده بود.

فرقان بی قرآن

یکی از دلایل عاملان شهادت استاد مطهری برای ترور این بود که شهید مطهری با رژیم شاه مرتبط بود و

بیش از ۳۳ سال از حادثه شهادت استاد مطهری می گذرد و ترور شهید مطهری دومین ترور سیاسی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود و حوالی دی ماه سال ۱۳۵۸ یعنی کمتر از دو ماه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی موج ترورها بر علیه شخصیت های روحانی و نظامی انقلاب شروع شد و همچنان ادامه دارد، که ترور اخیر دانشمندان هسته ای کشورمان در ادامه این روند را شاهد بودیم.



شبکه ملی اطلاعات



نفیسه اغمی

دانشجوی مترجمی زبان عربی

ساخت ارتباط فضای مجازی کشور مستلزم دستیابی به شبکه ای متشکل از زیر ساخت های ارتباطی با مدیریت مستقل کاملاً داخلی است؛ به بیانی دیگر فضای مجازی ملی باید جایگزین نرم افزار های ارتباطی خارجی مثل تلگرام، واتساپ، اینستاگرام، فیسبوک، یوتیوب و سایر بستر ها شود تا شبکه ای پرفرمان با قابلیت برقراری ارتباطات امن و پایدار داشته باشیم.

ارائه شبکه ملی اطلاعات به منزله ی قطع دسترسی به اینترنت جهانی نیست، بلکه فراهم آوردن بستری است که کاربران به راحتی به سایت های داخل کشور با سرعت بالاتر و قیمت ارزان تر و ترافیک کمتر یا حتی بدون تعرفه ترافیکی متصل شوند.

شبکه ملی اطلاعات یا اینترنت ملی، شبکه اینترنت ملی ایران است.

اینترنت ملی شبکه ای بسته بر اساس پروتکل اینترنت است و توسط دولت ملی یا بخش خصوصی ساخته می شود و در ابعاد ملی پایگاه های داده را به یکدیگر متصل می کند.

هدف اصلی این شبکه نظارت بر ارتباطات درون کشور، قطع دسترسی به رسانه های خارجی، کاهش هزینه های ارتباطی و استقلال شبکه ای است. در این حالت دولت سعی می کند که شبکه های رسانه ای داخل را جایگزین سرویس های خارجی کند. همچنین شبکه ملی اطلاعات پروژه ای برای توسعه زیر ساخت اطلاعاتی امن و پایدار ملی در ایران است. تحقق شبکه ی ملی اطلاعات به عنوان زیر

فناوری اطلاعات و ارتباطات

فناوری اطلاعات و ارتباطات بی شک نقش پررنگی در زندگی انسان امروزه ایفا می کند و تحولات گسترده ای در زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم به دنبال دارد.

در پنجاه سال گذشته تحولات گسترده در عرصه تکنولوژی و فناوری اطلاعات تاثیر بسزایی در حیطه های مختلف حیات بشری داشته؛ بطوری که بشر در هر ثانیه با هزاران خبر از سرتاسر دنیا مواجه می شود.

در تعریف فناوری اطلاعات و ارتباطات فناوری عبارت است از : گردآوری، سازماندهی، ذخیره و نشر اطلاعات اعم از صوت، تصویر، متن یا عدد که با استفاده از ابزار رایانه ای و مخابرات صورت پذیرد.

در حال حاضر میتوان گفت دسترسی سریع به انواع اطلاعات و انجام امور بدون توجه به فواصل مکانی و زمانی اصلی ترین دستاورد فناوری اطلاعات و ارتباطات است.

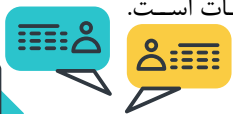
دولت الکترونیک

دولت الکترونیکی به استفاده از فناوری اطلاعات برای تحقق سیاست های نظام اداری اطلاق می شود. برای تحقق این سیاست ها دولت از فناوری اطلاعات برای جابه جایی اطلاعات بین مردم، سازمان ها، بازار و ارکان دیگر دولتی استفاده می کند.

دولت الکترونیکی سازماندهی خدمات شهروندی به کمک فناوری اطلاعات به منظور ارتقاء کارایی و اثربخشی شفافیت تبادلات و تعاملات اطلاعاتی بین دولتها و درون دولت است. با تحقق دولت الکترونیک تشریفات دست و پاگیر کاهش می یابد و اطلاع رسانی ها و ارائه خدمات به شهروندان الکترونیکی می شود؛ در درجات بالاتر باعث افزایش اقتدار ملی و بهره وری بیشتر و توسعه مشارکت مردمی می شود؛ شفافیت امور و کاهش رشوه خواری و اثرات

مثبت زیست محیطی از دیگر مزایای این دولت است. شاید ماهیت سیاسی و اقتصادی کشور مهمترین معایب دولت الکترونیک باشد که به عدم برابری در دسترسی عمومی به رایانه و اینترنت در برخی های جمعیتی کشور خط می شود؛ همچنین اعتماد به دولت الکترونیک بسیار وابسته به عملکرد و اجرای آن است و کاری در این بخش می تواند تأثیرات نامطلوبی در روند فعالیت ها و مشارکت ها داشته باشد.

پژوهش ها نشان می دهد که دولت الکترونیکی در ایران در سال های پایانی دولت خاتمی خیلی جدی گرفته شد اما در سال های بعدی طرح های راهبردی تا حدی کنار گذاشته شده اند و در سال های اخیر توسط دولت یازدهم دوباره در دستور کار قرار گرفته است.



کلمه

شماره پنجم / اردیبهشت ۱۴۰۰



|| فائزه رحیمی نژاد ||
|| دانشجوی مترجمی زبان عربی ||

امروزه دست به گریبان شدن علم و موانع آن در این شرایط به عنوان حیطه بزرگی است که لمس کردن آن برای همگان حائز اهمیت و دغدغه است. حال، موانع مسیر علمی دانشجویان در شرایط کنونی که ابزار آموزشی آنها صرفاً موبایل است چیست؟

سنگ سنگین علم

مشکلات علمی دانشگاه

پایین بودن سطح علمی برخی اساتید و همچنین، آنطور که باید پیشرفت درسی شامل حال دانشجویان نمی شود و بالعکس. در مواقعی نیز اساتید از سطح علمی بالایی برخوردار بوده و دانشجو رمقی به درس خواندن نشان نمی دهند.

قطعی ناگهانی صدا که برخی مواقع مشکلات سامانه و گاهی نیز از سیگنال اینترنت دانشجو است.

برگزاری کلاس ها در ساعات نامناسب

منزوی شدن و کمرنگ شدن ارتباطات اجتماعی با یکدیگر

دسترسی به کیفیت مطلوب از اینترنت در مناطقی که سیگنال اینترنت ضعیف است، دشوار می باشد.

دشواری دسترسی به منابع و کتابخانه گرچه به صورت آنلاین هم مشکلاتی را در پی دارد.

یادگیری درست از فردی به فرد دیگر متفاوت است؛ چه بسا که دانشجویی به درس خود اهمیت می دهد در حالیکه دیگری بی تفاوت بوده است.

یادگیری پایین و نیازمند بودن به برگزاری کارگاه ها و مرور بیشتر درس ها

و...

چنانچه گاه و بیگاه به امید حضوری شدن کلاس ها و پایان مشکلات، امیدی شروع به شکل گیری می کند ولی متأسفانه این مشکلات در حال پیشروی و باعث ایجاد مشکلات جدیدی از درون خود می شود. در برخی موانع به شرطی که محدود باشد با همکاری دانشجو قابل حل است، ولی چرا که گستره موانع و مشکلات علمی خارج از دسترس و اراده دانشجو می باشد.